



۲۳۰

کارل مارکس : مربوط به مسائل ماقبل سرمایه داری





- ۱۰۰ -

مربوط به مسائل ماقبل سرمایه داری

اثر مارکس

سرمایه بهره یاب و یا آنتیوپیکه ما آنرا در شکل باستانی این سرمایه ریالی بعنوان بنامیم و همراه با برادری دولتیون سرمایه سوداگری و مشغولیه اشکال منسوب بدوران قبل از طرفین نوع سرمایه هستند که بر شیوه تولیدی سرمایه داری بسیار سابق بوده و در صورتی های گوناگون اهتمام یافت میگردند.

وجود سرمایه ریالی ملزم نیست به هیچ چیز که آنکه حد اقل یک بخش از فراورده ها به کار تبدیل گشته و در عین حال همراه با تجارت کالا، پول یا معکزه های مختلف خویش تکامل یافته باشد.

تکامل سرمایه ریالی در پیوست با سرمایه سوداگرانه و بهره با تکامل سرمایه تجارت پولی (۲) انجام میگیرد. در روم قدیم و در دوران پشاور جمهوری و که مانواکتور عمیقا مختار از تکامل جهان روی دوران خطی بود، سرمایه ریالی و سرمایه تجارت پولی و سرمایه ریالی - نسبت شکل حقیقی - به نقطه ای تکامل رسیده بود.

قبلا ذکر شد که چگونه با پول الزامات گنج اندوختی همراه است. اما گنج اندوز حرفهای زیانسی اهمیت پیدا میکند که تبدیل به پول خواهدگردید.

بازرگان، برای سود بردن و برای صرف کردن آن بعنوان سرمایه، یعنی برای خرج کردن، پول قرض میکند. بنا بر این در اشکال پیشین هم قرض دهنده به همان نحو در مقابل او قرار میگیرد که در مقابل سرمایه دارندین. این مناسبت ویژه از طرف دانشگاه های کاتولیک هم احساس شده بود.

دانشگاه های آکالا، سالانیکا، اینکلانشان، فرانسورگ در برابیسکا، هاینس، ککن و غیره به دنبال یکدیگر سعی بودند تعلیم بهره به فرقه های تجاری را برسیب شاخشدند. پنج تنوع نام اول در آرشور های کسولگری شهر اینن مکتوب گشته و در ضمیمه des Credit de l'oeuvre et des Interets

لیون - بریست پونتور و چاپ شده اند. *
که در تمام اشکالی که اهتمام بردنداری (نه بشکل پدر سالاری بلکه آنتیوپیکه که در ایزنه خویش یونانی و رومی ((وجود داشت)) به عنوان ابزار پول یا بر جاسته در آنجا که بنا براین

* مجموع شود به م. اویسنا: J. Dunier, "Le Credit public et", Paris 1842.
مقدمه ۲۰۶

پول ابزاری است برای تطبیق کار بیگانه بتوسط خرید بهره و زمین و غیره و پول و بخت آنکه متراشد مستقل گردد و بعنوان سرمایه قابل ارزش افزایی بهره یاب میگردد. اما اشکال منتهی وجود سرمایه ریالی در ایزنه ماقبل شیوه تولیدی سرمایه داری بیگانه اند. من حکیم اشکال منتهی. همین اشکال بر پایه شیوه تولیدی سرمایه داری - اما تنها بعنوان اشکال تحتانی - تکرار میگردند. آنها در اینجا دیگر اشکالی نیستند، که غلظت سرمایه بهره یاب را تخمین نمایند، این روشنگر عبارتند از: اولاً و با خواری از طریق قرض دادن پول به بزرگان صرف، حدتها به ملائین، ثانیاً و با خواری از طریق قرض دادن پول به خرده پادان، تولیدکنندگان حاکمه شرایط کار خویش و که منتظران هم چیز خوب آن هستند، اما بخصوص به دهقانان، چونکه اصولاً در شرایط پیش از سرمایه داری، تا آنجا که این شرایط تولید کنندگان خرده و مستقل را مجاز میدارند، طبق دهقانان باید تشکیل دهنده اکثریت آنان باشند.

هر دو راه، هم از بین رفتن ملائین شمول بوسیله یا و هم کیده شدن ((خون)) تولید کنندگان خرده پا، به تشکیل و تراکم سرمایه های پولی بزرگ می انجامد. اما اینکه تا چه اندازه این روند سبب بر کردن شیوه تولیدی قدیمی میگردد، - آنتیوپیکه در اروپای مدرن انجام گرفت - سو آیا اینکه بجای آن شیوه تولیدی سرمایه داری را محسور میگرداند، کاملاً منوط به مزه تکامل تاریخی و شرایط وابسته به آن است.

سر پایه ریالی بعنوان شکل منتهی سرمایه بهره یاب، با مهارت تولید محدود، دهقانان عامل وابستگان صنعتگر خرده با منطبق است. در آنجا که کارگر، نظیر شیوه تولیدی سرمایه داری توسعه یافته، با شرایط کار و محصول کار بعنوان سرمایه ریز میگردد، نمیتواند بعنوان تولید کننده و پول قرض کند. هرگیز که از قرض میکند، مثلاً در پائله کار گدایی برای رفع ضرورت شخصی است. بالعکس در آنجا که کارگر، مالک واقعی و اساسی شرایط کار و محصول کارش است، او بعنوان تولیدکننده در ضایعت با سرمایه داری پول، که بعنوان سرمایه ریالی با او ریزه میشود، قرار دارد. نویسن (۲) این مقاله را بی مزه بیان میکند و زیانگه میگوید، بانکدار دارای وجهه است و در حالیکه ما خوار بودیم تنفر و خوار میباشند. زیرا آن یک به فروخته ان قرض میدهد و این دیگر به فراوان او حوجه نیست، که در اینجا تفاوت بین دو شیوه تولیدی اجتماعی و نظام اجتماعی منطبق بر آنان قرار داشته، و شکل را بهبودیچند بعنوان با نماد بین فقر و تزویند فاصله باز. بالعکس ریالی که ((خون)) تولید کنندگان خرده را میکند، دست در دست ریالی دارد ((که خون)) ملائین

* مجموع شود به
نویسن: F.W. Newman, "Lectures on Pol. Econ.", London 1851.



اشکالی را که در آنها تولید کننده هنوز به شایه مالک ابزار تولید خویش تظاهر می نماید، ملامتی و حسد میکند. در شیوه تولیدی سرمایه‌داری تکلیف یافته، کارگر مالک شرایط تولید، - سرمایه‌داری که کسب میکند، - سرمایه خانی که برداشت میکند، و خوب نیست. اما در اینجا این بیگانگی شرایط تولید از تولید کننده با یک دیگرگونی واقعی در خود شیوه تولیدی انطباقی دارد. کارگران منفرد در کارگاه بزرگ، برای مثال مضموم و مرتب، میبندند و ابزار به ماشین می‌دهند. خود این شیوه تولیدی دیگر، خرده مالکی پیوسته با برکنده بودن ادوات تولیدی را، همچنان اندازه انفراد خود کارگران غیر مجاز می‌شمارد. در شیوه تولیدی سرمایه‌داری با دیگر نمیتواند شرایط تولیدی را از تولید کنندگان منتقل کند، چونکه آنان قبلاً جدا شده‌اند.

با خورای تحمل برقی را در چنانکه ابزار تولید برکنده‌اند، متمرکز میکند. با خورای شیوه تولیدی را تضییع نداده بلکه به صورت انگار (خون آنرا) یکیده و سبب فساد می‌شود. با خورای (خون) شیوه تولیدی راتا به آفر یکیده و حسب آسرا کشته و تولید تولید را جویر میکند که راجها در شرایط فرس آور تری ادامه یابد. از اینو تنفر عمومی نصبت به ریا خورای، از حد جا بیشتر بردنهای جنسی، که مالکیت تولید کننده بر شرایط تولیدش در حین حال اساسی خاصیات سیاسی و استقلال انجام دولت بود.

شیوه تولیدی، در آنجا که برده‌داری استیلا داشته و یا اضافه محصول برسولت آنرا بان فئودال و بلا زمین اش بلعیده می‌شود و برده دار با ارباب فئودال گرفتار ریا می‌گردد، همانطور یاق، برجا مانده و تنها برای کارگران سخت تر می‌شود. برده دار و یا ارباب فئودال مدین خودتوار تو می‌شود، چونکه خودی او بیشتر (خویش) یکیده می‌شود. یا که حافظت جای خود را، به ریا خورای می‌دهد که شخصاً نظیر سلحشوران روم باستانی، مملک یا برده دار می‌گردد. بجای استشارت کر قدسی، که شیوه استشارت، - بدعت حدیثاً وسیله قدرت سیاسی بودن آن - کم و بیش بدر جلالی بود، یک بر خاسته و سخت گیر و بیل دوست قرار میگیرد. اما شیوه تولیدی خود نفسی نمی‌یابد.

تاثیر انقلابی ریا خورای در تمام شیوه های تولیدی مافیل سرمایه داری و تنها بدین ترتیب است، که ریا خورای اشکال فلتکی، اوکی بر بنیاد سنجشش و تجدید تولید با بر جای حصه یکیشتر مراتب سیاسی استوار است. و تخریب کرده و منتحل میکند. در اشکال آسیایی ریا خورای بدت برآین می‌تواند ادامه یابد بدون آنکه اندک تغییری جز تباهی اقتصادی و فساد سیاسی بجهت داشته باشد. تنها در موقع و مکانی که دیگر شرایط شیوه تولیدی سرمایه‌داری فراهم باشد، ریا خورای از یکسر همچنان یکی از ابزار تشکیل شیوه تولیدی تئین، از طریق ملامتی اینها فئودال و تولید خرده یا، و از سوی دیگر تکرار شرایط کار به سرمایه تظاهر میکند.

تولید را میکند. بسپرد آنکه ریا خورای انشراق بود (۱) و عوام انشراق بودی (۲)، و دهقانان خرده‌ساز را کاملاً تلافی کرد، این شکل اشتراک به سر آمده، و اقتصاد برده داری غلبت بجای اقتصاد خرده دهقانی نشمنست.

در اینجا تحت شکل بهره می‌تواند کلیه مازادها بر شیوهی تئین ابزار معاش (میخ کار خرده آورده) تولید کنندگان از طرف ریا خوار بلعیده شود (مازاد که بعد ها به صورت سود بهره مالکانه ارضی تظاهر میکند) و بنا بر این بسیار بی مزه است که مقدار این بهره را در حالتی که به اشتراک بخشی که به صاحب دولت در می‌آید - (تسلط تمام اضافه ارزش است) با نرخ بهره مدین یا حالتی که این بهره به حد اقل به صورت محصول تنها تشکیل دهنده بخشی از اضافه ارزش است، - خایه نمود. در این رابطه فراموش می‌شود، که کارگر مزدور برای سرمایه‌داری که او را به کار می‌گیرد، سود بهره و بهره مالکانه ارضی، بطور خلاصه تمام اضافه ارزش را تولید کرده و تحویل میدهد. کی در (۱) این نظریه بی مزه را از این جهت میگوید که نشان دهد، چقدر برای کارگران و تکامل سرمایه و بهره‌آورد آن سقوط نرخ بهره بر عظمت است. علاوه بر آن هرگاه ریا خوار، طرف پسر مدین کشیدن اضافه کار از قربانی اش، و بتدریج نیز مالکیت بر شرایط کار او را، بر زمین و خانه خرده، به صاحب در آورد، و علاوه مشغول به مالکیت کارگر، به دوین ترتیب است. در مثال آن نباید فراموش کرد، که این سلب مالکیت کامل کارگر از شرایط کارش و تنبهای نیست که شیوه تولیدی سرمایه داری بخلاف آن می‌گردد. بلکه پیش شرط آمادای است. که شیوه تولیدی سرمایه‌دار از آن حرکت میکند. مزه برده نظیر برده واقعی نیست، بلکه در جهت خود همچنان تولید کننده، خارج از وضعیت قرار دارد که برده مدین گردد، او میتواند حد اکثر در شخصیت صرف کننده برده مدین گردد. سرمایه داری در این شکل که در واقع کل اضافه کار تولید کنندگان بلاواسطه را تصاحب می نماید و بدون آنکه شیوه تولیدی را تغییر دهد، (شیوه تولیدی) که اساسی تئین پیش شرط آن، مالکیت یا تصرف تولید کنندگان بر شرایط کار و تولید خرده منطبق بر آن است، که بنا بر این بر آن سرمایه داری را مستقیماً به زیر فرمان خود در نیاورد و بتایوان با کار، به صورت سرمایه منتهی می‌گردد. این شکل سرمایه داری شیوه تولیدی را به تباهی کشانده و نیروهای مولد را فلج میکند، بجای آنکه آنان را تکامل بخشد. در حین حال این شرایط رفت انگیز را، که در آن برخلاف شیوه تولیدی سرمایه‌داری، که قدرت با آوری اجتنابی کار، به هزینه خود کار انکشاف می‌یابد، اهدی میکند.

بنا بر این از یکسو ریا خورای تاجر خرده و دهقان کننده بر ثروت جنسی و فئودالی و بر مالکیت جنسی و فئودال دارد. از سوی دیگر ریا تولید خرده دهقانی و خرده بهره‌داری و خلاصتاً تمام



در قرون وسطی در هیچ کشوری یک نرخ بهره هگانی مسلط نبود. گویا از همان ابتدا معاملات بهرایی را متوجه کرد. فواین و دارگامها به نفع دیون را تعیین میکردند. نرخ بهره در حالات خاص بیشتر بود. دیوان کابل پول و ضرورت کار سازیدگی. اغلب پرداختها با اجبار به قرض کردن را بوجود آورده. و این ضرورت در آنجا که معاملات بیوانی هنوز توسعه نیافته بودند، هرچه بیشتر بود. تجارت معتادایی بود. در مورد نرخ ربح و وجه در مورد مفهوم یا خوارگی حکم قریبا بسود. در زمان کابل کبیر (۲) دریافت شد. در حد ربا خوارانه تلقی میشد. در شهر لندنا جنب درواجه پون (۸) در سال ۱۳۹۱ شهروندان بوی ۱/۱۰۰ ۲۱۶ در صد مطالب میکردند. در نرخ ربح قانونی بوساید میرا ۱/۳ در صد تعیین شده بود. در ایتالیا گاهی سیاهبستی تا ۱۰۰ در صد پرداخت شود. با وجودیکه بین قرون ۱۲ و ۱۶ نرخ متوسط بهره از ۲۰ در صد بالا نرفته در شهر پورتا ۱/۲ در صد بعنوان نرخ ربح قانونی تعیین شده بود. خرید و فروش در آن دوره بهر را ۱۰ در صد تعیین کرده بود اما فقط برای بیویان. در مورد صیحمان او بملار به صحبت بود. نرخ ۱۰ در صد در قرن ۱۳ در منطقه راین آنان کالا معمولی بود.

سرمایه رهایی صاحب ربح استفاده سرمایه و بدون شیوه تولید آن است. این خاصیت در دین اقتصاد بورژوازی در رشته های صنعتی عقب مانده و یا در بخشهایی که در برابر گذار به شیوه تولیدی مدرن مقاومت میکنند تکرار میگردد. در صورت تمایل به بقایه نرخ بهره انگلیس با هند نهایت تنای مثال نرخ بهره انگلستان، بلکه مثلا نرخ بهره قرض دهندگان ماشین ابزار های کوچک جبه تولید کنندگان خرده پای صنایع خانگی حرد سنجش قرار گیرد.

با خورای خود در طلایه با دارای صرف کننده از نظر تاریخی بعنوان پایه پروسه تکوین سرمایه اهمیت دارد. سرمایه بانای و تبدیل تجاری واسطه ایجاد شکن پولی مسلط از مالکبارانی اند بهصحت فر آورده ها هرچه کثر بعنوان کالا انصاع یافته و ارزش مبادلای هرچه قوی تر تولید را در پهن و رقابت به تسلط خود در آورده باشد. پول عرضه بیشتر بعنوان ثروت واقعی باقیست. پندوران ثروت نام در مابین سرمایه بوی محدودتر به صورت ارزش مصرفی. تظاهر می باید. گنج اندوزی بر این پایه استوار است. موهظن از پول بعنوان پول جهانی. وجه مبادله تدوین شده. پول اسل شکل وسیله پرداخت است. بنگی که در آن پول به نشانه شکل مطلق کالا ظاهر میگردد. و اسل.

این حل کرد پول بعنوان وسیله پرداخت است که ربح و همراه با آن سرمایه پولی را انکشاف میدهد. پول بعنوان پول و پول بعنوان وسیله ابتذاع همه چیز خواسته ثروت صرفه و برتری است. (همچنین

به رصوح شود به هلمن و شلمه ۲۷ Hillmann, "Geschichte des Städtewesens"

برای پرداخت دیون) . احتیاج عمده تولید کننده خرده به پول برای پرداخت است. (در اینجا مگر بیسی اطلاعات جنسی مروانی و آبیای به بهره مالکانه پولی و مالکات پولی بل بزرگی ابلاغ میاید) . در هر دو حالت پول بعنوان پولی بود. استعمال واقع میشود. از سوی دیگر اکنون گنج اندوزی واقعی شده و رویای خود را در ربا خوارگی تحقق می بخشد. آنچه که از صاحب اندوخته طلب میشود، سرمایه ندرده، بلکه پول بعنوان پول آمده اما او بوسیله برابره این پول اندوخته را برای خود به سرمایه تبدیل میکند - بوسیلهای که، برصط آن او اضافه کارها بچسا و یا کالا، و همچنین بیکه بخش از خود شرایط تولیدی را. تصاحب میکند. حتی اگر این شرایط تولیدی اسل بصلابه مالکیت غیر در برابر او قرار داشته باشند. ربا به ظاهر بطلند. خدايان اینتر مودین در نزد امپریه (۱۰) در خلل و لوج تولید زندگی میگویی: بهره گزین شکل کالای شکل هگانی کالاها باشد، پیمان نسبت بدست آوردن پول شکنتر است. بنا بر این ربا خوار معمولی حدی نی شناسد گز امکان باز دهی و نیروی مایوسد محتاجان به پول. احتیاج به پول. بعنوان وسیله خرید و عیدتا در تولید خرده دهانی و خرده بورژوازی وابسته که شرایط تولید برای کارگر (که در این شیوه تولیدی اکثر مالک شرایط تولید است) بعلت ربه دارها و یا از هم باشدگی های غیر شمارف غلاتی شده و مسا حداقل در سیر عادی تجدید تولید جایگزین نشوند. وسائل معاش و مواد خام سازنده عمده ترین بخش این شرایط تولید هستند. گران شدن آنان میواند جایگزینی آنان را از طریق فروش اقاربها غیر سکن سازند، مثلا یک قطعی ساده مانع از آن میگردد که دهقان بدر خود را به صورت طبیعی تجدید نماید. همان جنگ هائی که به توسط آنها اشراف ریبی هوا بالناس روم را به فلاکت کشانده و آنان را به انجام خدمات جنگی ای مجبور کردند، که مانع تجدید تولید شرایط کارشان گردیده بنا بر این تارادشان کرد (نادار شدن، تصعیف و یا از دست دادن شرایط تولید در اینجا شکل مسلط است) سبب پر شدن انبارها و زیر زمین های اشراف با شی غنیی یا پول آزمان گردید. اشراف بجای دراختیار گذاردن مستقیم کالاها بپورد نیاز حوام افله اصب و پوشش شاختار - من برای خویشی. ارتش را به آنان قرض داده و از این موقعیت برای باز پس خواستن بهره های کلان باخوارانه استفاده. بنوده بطوریکه حوام را به بردگان مدیون خویش تبدیل کردند. در زمان کابل کبیر هم دهقانان منطقه فرانک از طریق جنگ ها به تجدیدستی کشانده شدند، پرمیسی که برای آنان طریقی باقی نماند، گرآنکه بعنوان بد هگام به صرف بدل شوند. چنانکه شهپر است، در هر دو روم اغلب اتفاق می افتاد که قطعی سبب فیشتر کردن و غنیزار خویش آزادگان بدستوران بوده به ثروتند ترها میشد. تا این اندازه در باره تلاط صلف گئی. در جز و نگهداری یا از دست دادن شرایط تولید. برای تولید کنندگان خرده. یا به هزار ربه دار وابسته است و هریک



- ۱۵۵ -

از این اتفاقات با فقدان ها معنای نا دار گشتن پرده و تبدیل به مضمی میشود که انگل را میتواند در آنجا لانه کند. برای خریده دهقان صقل شدن گاویش کافی است، که دیگر به آقا ز دوباره تعدید تولید خویش در سطح شهری نباشد. بدین ترتیب او به چنگال ربا خواری حاشد و با یک بار گرفتار شدن دیگر هیچگاه آزاد نمیکرد.

علتگر پول بعنوان وسیله پرداخت میدانگاه اصلی، وسیع و ویژه ربا خواری است. سواکن هر چه زمین تادیه پول و پیوره مالکانه ارضی خراج و مالیات و غیره و الزام پرداخت پولی را به پیراه خویش دارد. از آنجور ربا خواری میدتا از اوقات روسی های قدیمی تا لغضار مدرن همواره با اقتزام داران (۱۱) ، اجاره داران صده و مصلان مالیاتی تثبیت میگردد. سپس همراه با تجارت و تأمین تولید کالای جدائی زبانی بین خرید و پرداخت رشد می نماید. پول می باید در سود زمین پرداخت گردد. بهران های پولی مدرن مستند میدارند، که چگونه این (۱۲) پرداخت پول در سود زمین (۱۱) میشود به شرایطی منجر گردد، که حتی امروزه (۱۳) هم (۱۴) ربا خوار و سرمایه دار پولی در هم غوطه خوردند. اما همین ربا خواری، ابزار اصلی لزوم ارائه تکلیفی پول بعنوان وسیله پرداخت میگردد، بدین ترتیب که ربا تولید کننده را هر چه بیشتر ظروف نموده و وسیله پرداخت معمولی او را توسط روح سنگین، که تجدید تولید بنظم تولید کننده را غیر ممکن میسازد و ملامتی میکند. بر اینجور ربا خواری از پول به مثابه وسیله پرداخت مفرح شده و این علتگر پول را، بعنوان میدانگاه ویژه خویش توسعه میدهد.

تکامل اعتبار به صورت واگشتی در برابر ربا خواری بروز مینماید. اما این منتظلب نباید سوء تفهیم گردد، و نباید به پیچیده به معنای مورد نظر نویسندگان عهد عشق و آیه کلیسا گوش (۱۲) و ما سوسیالیست های قدیمی تر گفته شود، معنای آن نه کثر و نه بیشتر، فریاد پروری سرمایه بهر مایاب از شرایط و نیازهای شیوه تولیدی سرمایه داری است.

سرمایه بهره باب، به صورت صده و گش، در نظام اعتبارات مدرن با شرایط تولیدی سرمایه داری انطباقی پیدا میکند. ربا خواری با تنفس، به تنهایی ارائه حیات میدهد، بلکه در نزد افرادی که تولید سرمایه دارانگیهای یافته دارند از تمام محدودیت های قانونگذاری متمدن رها میشود و سرمایه بهره باب و شکل سرمایه ربانی را در برابر افراد و طبقات، با در مناسباتی که به مفهوم شیوه تولیدی سرمایه دارانگی استقرای میشود، و نتواند استقرای شود، نگاه میدارد؛ در مناسباتی که بعلت نیاز فردی منجاب مثال در بانک کارگذائی قرض میشود، در مناسباتی که به جهت منضم برای اصراف قرض داده میشود، و با تولید کننده و تولید کننده غیر سرمایه دار است، خرده دهقان، صنعتگر و پیوره یعنی بعنوان تولید کننده بلاواسطه هنوز در تصرف شرایط تولید، مشخص خویش میباشد، و بالاخره در

- ۱۵۶ -

مناسباتی که تولیدگر سرمایه دار در چنان سطح معطری عمل میکند که خود به آن تولید کنندگان عامل نزدیک میگردد.

آنچه سرمایه بهره باب را آنجا که این سرمایه یک عنصر اساس شیوه تولیدی سرمایه داری را تشکیل میدهد، از سرمایه ربانی متمایز میسازد، بهیچ ترتیب سرشتی یا خلقت خود این سرمایه نیست. (۱۵) وجه تمایز (۱۶) تنها شرایط تغییر بافتی هستند، که تحت آن سرمایه بهره باب عمل جنماید و از اینرو در همین حال هیئت کالای دگرگشان شده قرض گرفته است، که در برابر قرض دهنده ظاهر میکند. در آن حالت که حتی یک فرد بی ثروت بعنوان تولیدگر صنعتی و یا بازرگان اعتبار دریافت میکند، (۱۷) استقرای با این اعتبار انجام می گردد، که او بعنوان سرمایه دار عمل کرده و با سرمایه استقرایی و کار پرداخت نموده را به خود تعلق میدهد. به او بعنوان سرمایه دار بالقوه اعتبار داده میشود. و این موقعیت بسیار تحسین آموخ برای بیژش طبقات اقتصادی، که یک فرد بدون ثروت و ولی با انرژی و استعداد و قابل اعتماد و آشنا به تجارت از این طریق میتواند به یک سرمایه دار تبدیل گردد. اینطور که اصلا در شیوه تولیدی سرمایه داری ارزشمندی هر کس کم و بیش صحیح ارزیابی میشود. هر چه که او (۱۸) این موقعیت (۱۹) داشته در مقابل تکه تکه سرمایه داران جویو، یک رده به تا خوانده از ما جراحیان جدید بد میدان بهارود، سادت خود سرمایه را تحکیم بخشیده، و نیز ساخت آنرا انبساط داده، به آن اجازه میدهد، که صرف خود را تمام با نیروهای تازه نغز از تن اجتنابی تجدید نماید. کالای منشا به این موقعیت که و کلیسای کاتولیک در قرون وسطی سلسله مراتب خود را بدون در نظر گرفتن وسیله با پایگامی (۱۴) تولید و ادواتی از بهترین افراد قوم تشکیل داده، بسک ابزار اساسی برای تثبیت سلطه کیشیشان و ظلم آنان به عوام بود، هر چه بیشتر یک طبقه حاکم قادر باشد، مردمان مهم طبقات تابعه را در خود منجم کند، همان اندازه حکومتش خطرناک تر و با بر جا تر است.

از اینجور نه لمن و تجدید سرمایه بهره باب در کل، بلکه بر عکس برصمت شناختن بزرگ آن نقطه حرکت نظام اعتبارات مدرن بود.

ما در اینجا از واگشتی در مقابل ربا خواری که سعی در پشتیبانی از فلان در مقابل آن داشت و نظیر منتس - د - به بیت (۱۵) صحبت نمیکیم. (در سال ۱۳۵۰ در سارلین در منطقه فرانسی - کتی، و بعدا در پروسیا و اویستا در ایتالیا در سالهای ۱۴۰۰ و ۱۴۱۹)، این ها از این نظر قابل توجه اند، زیرا که نمودار تسخیر تاریخند، که چگونه امپال پارسیایان در تحقی خویش درست به ضد خود بدل میگرددند. طبقه کارگر انگلیس بر طبقی یک بر آورد ابتدائی حد در



زمانیکه قرار بود بانک انگلستان تاسیس گردد ، محافظه کاران هم خرید میکنند که :

" بانکها ، بوساطت جمهوری خواهانه میباشند . بانکهای انگلستان در روزه جلوا استخرام و هامبورگ موجودند . اما چه کسی تا بحال از يك بانک در فرانسه و يا آلمانيا شنوده است؟ "

ته بانک استخرام (۱۶۰۹) ، ته بانک هامبورگ (۱۶۱۹) نشان دهنده يك اصل در تكامل نظام اعتباری مدرن اند . بانک استخرام تنها يك بانک وديعهای بود . اوراق بها داری كه بانک بصورت مدار در واقع تنها ورقه رسيد برای لزوات تاب مسكوكه و غير مسكوكه به وديعه مسوده شده بودند و تنها با ظهر نویسی دریافت كندهشان قابل گردش بودند . اما در هلند همراه با تجارت و بانكوكسوره اعتبار پارزگانی ، و صرافی تكامل یافته بودند ، سرمایه بهره باب در جریان تكامل به زیر فرمان سرمایه تجاری و سرمایه صنعتی سر آمده بود . تظاهر این واقعیت در باطن بودن نرخ بهره بود . اما هلند قرن ۱۷ ، نظیر انگلستان در زمان حال ، بعنوان کشور نمونه سرمایه داری تلقی میشد . انحصار با خورای از مد افاده میشی بر فقر ، در آلتها خود بخود ناپود شده بود .

در تمام طول قرن ۱۸ فرمان برای لغت قهری نرخ بهره - و قانونگزاری در این رابطه عمل میکند - با اشاره به هلند ، وطنی می افکند ، برای آنكه سرمایه بهره باب مطبع سرمایه بانگان و صنعتی گردد و ته بر عكس . سر کرده فیبادگشان سر جوزای چاپلند (۱۷۰۰) ، پدر بانكداری خصوصی متداول انگلین میباشند . او هسانطیر بر علیه انحصار با خواران به انتشار می پردازد ، كه خباططانتكنكسویس (۱۷۱۰) حوسی و پسران بعنوان جازیه بر علیه انحصار " دوزندگی عمومی " بانک بلند میکند . این جوزای چاپلند در همین حال پدر سلفه بازی انگلین است . بدین ترتیب او خود مختار گمانی هند شرقی ، از انحصار خویش بنام آزادی تجارت دلاخ میکند . بر علیه تیطاس مانلی و (۱۷۲۲) میگوید :

" بعنوان سرخدار جازرات خیل تزیو و لوزان با خواران او (جوزای مانلی) استجکایات اصلی را در نقطهای بنا میکند ، كه من آنرا بعنوان ضعیف ترین موضع بیان كردم . او حنكزبگرد ، كه نرخ بهره نازل علت ثروت است و اطمینان میدهد كه : این تنها مصلول آن میباشد . " (رجوع شود به ج - چاپلند ، ص ۱۲۰) " اگر تجارت است ، كه يك كشور را غنی میکند و اگر نطق بهره است كه تجارت را رشید میدهد ، پس باطن آرزون بهره با محدود كردن رباخواری بدون شك يك علت اصلی شرف در شرتهاى يك ملت است . بنا بر این هیچ وجه خالی از لطف نیست اگر كاند

بر - تریاس مانلی "Interest of Money mistaken" (۱۷۳۳) Thomas Malthus "Traité sur Le Commerce etc.", 1669, Trad. Amsterdam et Berlin, 754

به گویگان خانه ها ، این اخلاف میونس - ن - است به بی بی بر دارند ، همان ترتیب ما از ابرام اعتباری مثلا يك دكتر هاگ چمبرلین یا جان بریگر (۱۶۰۰) ، كه در دهه آخر قرن ۱۷ با ایجاد يك بانک ریسناپی و پول كاندی میشی بر مالكیت ارضی سسی در رهاپی انترای انگلینسی از ربا خواری داشتند ، صحبت نمیكیم .

انجمن های اعتباری ، كه در قرن ۱۷ و ۱۸ در جنوب ایجاد شدند ، منتج از نیاز تجارت دریایی و تجارت عمده حقیقی بر آن ، برای رهاپی از مطبع رباخواری از مد افاده و انحصار گران صرافی بودند . اگر چه بانكهای واقعی كه در این سبب - جمهوری ها ایجاد شدند ، در همین حال به عنوان موسساتی برای اعتبارات عمومی نمودار كندند ، كه از آنان دولت در ازادالایات های آینده ساعده دریافت میکرد ، با وجود این نباید فراموش كرد ، كه بانگانانی كه این انجمن ها سوا بنیان گذارند ، خود اولین افراد این دولت ها و ذینفع در رهاپی خود و حكومت از ربا خواری بودند .

در همین حال دولت را بهتر و مطمئن تر تحت نظارت خود در آورند . بدنیال ارزهان و افكاك مكر در فرضی يكاه و در اثر كز كذارین يك جنبی برای افكاك جنسی دیگر و دریافت مدار تفاوت پولی ناچیز آن است كه روح گویگانخانه ها تا این اندازه خارج از اعتدال است . در لندن ۱۷۱۰ و در ولایات تقریبا ۱۷۵۰ گویگانخانه با پروانه كسب موجودند . هیچ سرمایه چشختل در حدود يك میلیون تخمین رده میشود . این سرمایه حداقل سه بار در سال دوران میکند و هر بار به طیر متوسط ما سسی برابر با ۱/۳ ٪ ، بطوریکه طولات باطنی انگلین ۱۰۰ ٪ روح برای يك جابین پیشادست چندی می بردارند ، و این صرف نظر از اجناسی كه بعلت به سر آمدن مهلت افكاك از دست میروند . رجوع شود به جی . دنتاگ ، صفحه ۱۱۱ J.D.Dunlop, "A History of the Past and Present State of the Labouring Population" London 1846

روح حقی در تالیفات خویش بعنوان هدف اصلی " رفا عمومی ملانین ، از ربا . وسیع ارزش انلاك رهاپی انشرف زمیندار و اطمینان و فیره از مالایات از ربا . در آمد سالانه آنان و فیره " را ذكر میگردند . باخت تنها از آن ربا خواران خواهد بود ، این بدترین دشمنان ملت ، كه به انشرف زمین دار و خرد مالکین (۱۷) ، از ضرری كه ارتش ، مهاجم فرانسه میتوانست وارد آورد ، بیشتر خسیر زده اند .

۱۸۱۸ " بیلا كابل دوم (۱۸) پادشاه انگلستان ، بصورت به پرداخت بهره های رهاپی و صرف پول قطعی به زرگران " (مداری بانك ایران) از بوسست تا می در صد بود . يك معامله بر شفقت زرگرا را بر آن دانستند كه به شاه بیشتر بهره بیشتر ساعده بدهند ، و تمام ارقام مالیاتی را تقصه نمایند ، هر لایحه پولی را به محض تصویب در گرو بگیرند ، حتی با يكیك در خرید و ارتهان " بروت " . " حوالیات " ، محبوب خط بدهنگاری " (۱۹) رقابت كند ، بطوریکه در عمل كلیه خرید دولتی از دست آنان میگردد . (رجوع شود به بنیان فرانسیسه صفحه ۳۱ / ۳۰) " قیلا چندین بار ایجاد يك بانک پیشنهاد شده بود ، هاقبتا تاسیس آن از رای شده بود " - (هانتیا ، ص ۳۸) " تاسیس بانک حقی برای حكومت ، كه از طرف ربا خواران شكذ میشود ، برای در یافت پول با روح قابل تحلل با ضمانت مصوبات پارلمانی لازم بود " . (هانتیا ، ص ۶۰ - ۵۹)



شود ، که این موضوع میتواند در همین حال تحت خصوصیات معینی ، علت بود تحت خصوصیات دیگر معلول باشد . (همانجا ، ص ۱۰۵) * تخم مرغ علت مرغ است و مرغ علت تخم مرغ . نظیر بهره میتواند از پیوستار شکروت ، بتواند نظیر بیشتر نرخ سود را سبب گردد . (همانجا ، ص ۱۰۶) . * من مدافع صنعت هستم و مخالف من از تنبلی و بیفکالت دفاع میکند . (همانجا ، ص ۱۰۶)

این سازو کار نیز آرزو با ریا خواری ، این خواست التزام سرمایه بهره یاب از سرمایه صنعتی تنها اندازی تکثیرن های ارگانیک است ، که این شرایط تولید سرمایه داری در بانکداری مدرن بوجود می آورده . بانکداری مدرن ، که از یکسو از سرمایه رباعی انحصاری را می راید ، به این ترتیب که تمام ذخیره های پولی را که را شراکت کرده ، به بازار پولی سرزیر میکند ، از سوی دیگر انحصار خود غزوات تاب را با آفرینش پول اعتباری محدود میکند .

نقد با ریا خواری ، شمار و هائی تجارت و صنعت و همچنین دولت از ریا خواری ، همانطور که در اینجا در نزد چارلز مشاهده میگردد ، در تمام تالیفات در باره بانکداری در انگلستان در وقت سوم قرن ۱۷ و ابتدای قرن ۱۸ یافت میشود . در همین حال تشبیهات بزرگ در باره تجارت : سحرآسی اعتبار ، لغو انحصار غزوات ، ناب : جایگزین کردن آنان بوسیله پول کفند . و غیره . (همانجا ، ص ۱۰۶) استگاندی ، برسی بانک انگلستان و بانک انگلند ، در واقع از اول (۲۰) میباشد . بر طبقه بانک انگلستان ، تمام زرگرها و مرتبهن شوم و رفیاهان قصب آلودی برآید اختیاد . *

در ده سال اول بانک جدید به بهره باری با شکلات زیاد بود ! هندو سیاحت او خارج ! امکان های آن نقطه بسیار پایین تر از ارزش اسمی شان پذیرفته نمیدند زرگرها (که در دست کشان تجارت با غزوات ناب اساس یکروز معاملات بانکی بدوی بود) * به صورت وسیعی بر طبقه بانک بهره یابان برآیدند و نیز که تجارت آنان به علت بانک تقلیل پیدا کرده ، تنزل آنان کاهش یافته و معاملات آنان با دولت به دست رفیقان افتاده بود . *

قبل از تاسیس بانک انگلستان در سال ۱۶۸۳ نقشه یک " بانک ملل اعتبار " (۲۶) ریخته شد ، اهداف آن از آنجمله عبارت بودند از :

" اینکه تاجران ، هرگاه که صاحب طایر معتدلی ۷۰ داشته ، بجای آنکه با غیر بفرستند ، بتوانند با ضمانت این بانک کالاهای خود را انبار کرده ، و در اوقات این کالاهای انبار شده اعتبار دریافت کنند ، کارکنان خویش را در اشتغال نگاه داشته و تجارت خود را از یاد بفرستند ، تا زمانیکه یک بازار

و رجوع شود به یک آری ، ص ۱۰۹ " Mecanley , " History of England " و رجوع شود به جان فرانسیس ، ص ۷۷ " J.Francois , " History of the Bank of England , its times and traditions "

خوب پیدا کند . *

پس از زحمت بسیار " بانک اعتبار " در خانه دین شایر (۲۷) ، در خوابان بنجاب گیت (۲۸) تاسیس گردید . این بانک به تاجران تولیدگراان صنعتی با ضمانت کالاهای انبار شده و در اوقات این انبار ، بوسیله برات وام میگرفت ، برای اینکه این برات قابل گردش باشند ، در هر رشته تجاری یک عدد از افراد در یک شرکت بزرگ مجتمع گردیدند ، که از آن صاحب این چنین برات های میبایستی به سهولت کالا در یافت نماید ، گویی که از پول نقد مرده کرده است . معاملات این بانک شکنجا نبودند ، طرز کار آن بی اندازه قاضی و مخاطره در هنگام بی ارزش شدن کالا بسیار زیاد بود . هرگاه بعد از تحوی واقعی آن نیتبختی که ، با تشکیل نظام اعتبارات مدرن در انگلستان از جنبه تشویک هنگام بوده و آنرا یاری رسانده است ، توجه شود ، در آنان چیز دیگری جز شمار فرمانبری سرمایه راجح ، اصول فرمانبرداری ابزار تولید قابل امتراض از شیوه تولیدی سرمایه داری بمشروع می از شرایط خویش ، یافت نمیکردند . در صورت توجه به عبارات ، طبقات آنان نیز در اصطلاح با تحلیلات بانکی و اعتباری طرفداران سن سیمون (۲۹) اغلب موجب شکلی است . همانطور که در نزد "تولیدگراان" ، کولتیواتسور (۳۰) ، معنای اجازه دار معده و نه کشت کار واقعی میدهد ، همانطور هم "تولیدگراان" (۳۱) در نزد سن سیمون ، و هنوز هم متداول در نزد شاکلر دانن به معنای کارگر بوده ، بلکه به معنای سرمایه دار صنعتی و تجاری میباشد .

" یک ترازوی " به نیوهای کشی ، نوکر کارگر دست کار نیازمند است ؛ آنان صاحبی باهر ، با تاجر ، قابل استفاده با شند . او به آنان کار میدهد ، و هرچه آنان انجام میدهند ، بار آور است . " (۳۲)

اصولاً نباید فراموش کرد ، که سن سیمون اولین بار در آخرین نوشته اثر " نو کولتیواتسور " ، مشخصاً بعنوان مستخرج طبقه کارگر ظاهر میشود ، و رهائی آنان را بعنوان هدفی ذاتی کوشش های خویش بیان میکند . کلمه نوشته های اولیه او در عمل تنها تجلیل جامعه مدرن بورژوازی در مقابل جامعه کولتیواتسور ، تجلیل تولیدگر صنعتی و بانکدار در مقابل مارشال ها و قانون سازان حقوقی عهد ناپلئون است . چه تلاشی ، در مطالعه با نوشته های سیمون اون [۳۳] ، همانطور که قلمه نقل شده

* همانجا ، ص ۱۰۹ / ۳۹ و رجوع شود به " انطانتن ، ص ۱۰۴ " Infantin , " Religion Saint-Simonienne , Economic politique et Politique " , Paris 1831

* در صورت کار مجدد روی این جزوه مارکس احتمالاً این قلمه را بطور وسیع تغییر میداد ، این



در اینجا لغت تراویور جای سرمایه دار صنعتی استعمال شده است. علاوه بر آن اخصیاست، اگر امکاناتی را که بانکداری بدین در دست دارد، تنها بعنوان امکانات ماطلان مشاهده نمود، ((زیرا که)) اولاً بخشی از سرمایه که، تولیدگران صنعتی و بازرگانان در زبان حاضر به صورت غیر منتقل و شکل پولی نگه‌داری میکنند، - بعنوان ذخیره پولی، با سرمایه‌های که بدون پایستی منتقل گردد، سرمایه‌های است ماطل، ولی نه سرمایه ماطلان، تنها بخشی است از در آمد، ها و پس‌اندازهای صورتی، که برای اثبات به صورت گذرا و همیشگی محسوس شده‌اند. و این هر دو در کیفیت نظام بانکی اهمیت دارند.

اما همچنانکه نباید فراموش کرد، که اولاً پول - در شکل فلزات ناب - بنیادی را تشکیل میدهد، که از آن نظام اعتبارات محضت صورت اعتبار نتواند هیچگاه جدا گردد. ثانیاً اینکه، نظام اعتبارات غرضی به انحصار ابزار تولیدی اجتناب (در شکل سرمایه و مالکیت ارضی) در دست ((افراد)) خصوصی است، و اینکه خود از یکسو، به شکل ذاتی شیوه تولیدی سرمایه‌داری است و از سوی دیگر، یک نیروی سرک انکشاف آن، نیروی مالکیتین و گشایش شکل می‌دهد.

نظام بانکی، همانطور که قبلاً در حال ۱۸۶۲ " نظریاتی در مورد ... " بیان شده است، از نظر تشکیلات و تمرکز نیروی ساختگی زمین و کابل ترین محصولی است که شیوه تولیدی سرمایه داری به باز ساختن از اینروست، سلطه خارج‌الماده به حومه نظیر بانک انگلستان بر تجارت و صنعت دنیا، و سودی که حرکات واقعی آنان در خارج از حوزه بانک انجام گرفته، و بانک نسبت به آنان دارای حوضی منتقل است. بحدی که همراه با آن تنگ یک حساب‌داری و توزیع ابزار تولید در سطح اجتماعی - اما فقط هم در شکل - فراهم آمده است. ما مشاهده کردیم که خود منتظم، فرد سرمایه دار را با هر سرمایه شخصی و نه بوسیله اضافه کاری، که این سرمایه در درجه اول صاحب سرمایه، تعیین می‌کرد، بلکه بوسیله مقدار اضافه کار جامع، که سرمایه جامع صاحب می‌شاید و از آن هر سرمایه شخصی، تنها بعنوان بخش‌تس سرمایه جامع، سود محسوب خود را دریافت میکند. این خلقت اجتماعی سرمایه در ابتدا، بوسیله تکامل وسیع نظام اعتبارات و بانکی مرتبط گشته و کلاً تحقق می‌یابد. از سوی دیگر این ((تکامل)) را به پیدا میکند. او را نظام اعتبارات و بانکی ((تمام سرمایه‌های تحت اختیار و حتی بالقوه، سرمایه‌های هنوز اشغال نمانده جامعه را در اختیار سرمایه داران صنعتی و تجاری قرار میدهد، بصورتیکه نه قرض‌دهنده و نه اشغال کننده این سرمایه مالک و یا مولد آن هستند. امر به این ترتیب خلقت عمومی

* "Some Thoughts of the Interest of England" تالیف یک دوستدار تجارت، لندن ۱۸۶۷

مالاً نتوان میدهد، به نظر شما همین سن همین هم سرمایه دار صنعتی، " کارگر بهمنای حقیقی و واقعی " (۳۶) باقی می‌ماند. با خواندن انتقادی نوشته های آنان، تمجب آور نخواهد بود، اگر تحقیق رویه‌های اعتباری و بانکی آنان تأسیس " کردیت موبایل " (۳۷) باشد، که توسط سن-سیمونیت سابق اصل پول (۳۸) انجام گرفته، یک شکل که به راستی تنها می‌توانست در یک کشور نظیر فرانسه، کشوری که در آن نه نظام اعتباری و نه صنعت بزرگ به وقت بدین قابل آید باشد چیزی پیدا - چنین چیزی در انگلستان و آمریکا غیر ممکن بود. در قطعات ذیل از " دکترین سن-سیمون ... " به تفصیلاتی اینچنین " کردیت موبایل " موجود است. این مقاله قابل درک است، که بانکدار بتواند از سرمایه دار و با نیازها و خصوصی ایزان تر بپردازد نماید. بنا بر این برای این بانکداران:

" امکان پذیر است، که برای تولید هر صنعتی، ابزار کار را ایزان تر، یعنی با وجه کثیری، از خود ملاک و با سرمایه دانه فراهم آورد، ((ملاک یا سرمایه داری که)) به راحتی می‌تواند در انتخاب، در این دچار اشتباه شوند. ... "

اما مولفان خود در یادداشت‌ها به آن می‌افزاید که :

" صنعتی که از راستگی بانکدار بین ماطلان و " تراویور " می‌بایستی حاصل گردد، اغلب متوازن و نابود میگردد، از طریق امکاناتی که جامعه سامان می‌دهد، تا خود را در اشکال مختلفی بنیادی و نظریاتی تحقیق دهد، بانکداران خود را اغلب بین " تراویور ها " و ماطلان جا می‌زنند، برای آنکه هر دو را به زبان جامعه اشتکار کنند. "

(بخش پایینی از مقدمه اول)

از نقش سن-سیمونیت های سابق تحت دعوت دوستان لیبر شایع در فرانسه ظلم است - زمانی که درست مارکس قطعه بالا را می‌نویسد، تحولات دنیا تیات دهنده این کتبه، به قدرت مظاهر تاریخ، به صورت یک حلقه بازی بسیار عظیم تحقق یافتند. پس از آن مارکس تنها با شکفتن، از نوع و پهنای دایره‌المعاری-سن-سیمونیت میگردد. اگر او در تالیفات اولیه اش تضاد بین بورژوازی و پرولتاریا در حال تکوین را در فرانسه انگار میکرد، اگر او بخش منتقل در تولید بورژوازی را جز کارگرانی شمرده، پس این مطلق با نظریات فریب (۳۹) است، که قابل به آتش دادن سرمایه و کار بود، و با موقعیت اقتصادی و سیاسی فرانسه آنروز قابل توضیح است. این به این علت وسعت نظر بیشتری داشته، زیرا او در میان شرایط دیگری می‌زیسته، در میان انقلاب صنعتی و تضاد طبقاتی حاد و شدید، فریب‌پیش انگلس

* "Doctrines de St.Simon, Exposition, Première année - 1828/29" 3^e éd., Paris 1831



دست دیگران کسانی که آشنا به استعمال آن هستند منتقل نماید. توجه داشته‌ام که اعتبار بنابر این تفسیر یک نتیجه از راه و روشی است که در آن، مالکیت نهبه شده است.*

بنا بر این اعتبار همواره با این ساختار مالکیت از بین می‌رود. علاوه بر آن در صفحه ۸۸ آمده است که: *پانتهای فعلی*

"خود را موظف به ارفاق دادن به جهانی - و نه وارد کردن ضربه محرکه به آن - می بینند و که کسانی در ورا" معاملات متاثر از بانکها به حرکت در آورده‌اند؛ به زبان دیگر بانکها در مقابل ترلوها" که با آنان سرمایه به پیشرفت می‌دهند، نقش سرمایه داران را ایفا میکنند."

این نظر که بانکها باید خود رهبری را بر عهده گرفته و

* بوسیله تعداد و فرایند تأسیسات تحت فرمان به عملیات بر انگیزند شده"

خود را نشان بدهند، در کردیت مویله به صورت مستتر موجود است. همچنین ترتیب گشتاوتین بکوه (۱۹۱) و طالب آلمنت که بانکها (چیزی که سن سیمونت است) نظام بانکی عمومی می باشد) * بر تولید حکومت کنند. بکوه در اصل سن سیمونت است؛ و با وجود این از آنها بسیار رادیکال تر او مایل است که:

"موسسه اعتبارات ... بر تمام حرکات تولید ملی چیرگی داشته باشد" - "کوشش کنید، یک موسسه اعتبارات ملی بوجود آورید که به استعدادها و خدمات بی مثال، مال به مساعدت بدهد، اما بدون آنکه این فرض کنندگان اجبارا، بوسیله یک نظام معاشرت فشرده در تولید و جبری بهم گره بخورند، بلکه بالعکس اینطور که، اینها شخصا تولید و معاملات خود را تعیین کنند. در انبوه میتوانند فقط بسند آنجا برسند، که اکنون بانکهای خصوصی، به آن میروند، بی سامانی، عدم تناسب بین تولید و مصرف، ورتسکی ناکهای یک عده و ثروت اندوزی یکباره به عده دیگر، بدونیک موسسه شما از این فراتر نروند، که برای عدای اینهار سعادت تولید کند، که یک مقدار بدیعنی ای که دیگران میبایست تحمل کنند. برابر است. تنها، شما بکارگران جزوری که با پیشرفت های شما پاری شده‌اند، وسیله ای در دست داده‌اید، که در بین خود همان دکانی را بر قرار کنند، که اکنون استادان سرمایه‌داریشان انجام می‌دهند." *

ما شاهد کردیم که سرمایه تجاری و سرمایه بهره‌یاب قدیمی ترین اشکال سرمایه هستند. اما در سرشت این سه فرار دارد که سرمایه بهره‌یاب در اذهان عموم به مثابه شکل سرمایه به صورت عالی نمایان

* رجوع شود به بکوه، ص ۱۳۴-۱۳۳
C. Pecqueur, "Theorie Nouvelle de l'Economie Soc. et Pol.", Paris, 1842

سرمایه را طایفه نژاده و بدین ترتیب بالقوه نژادها آشنا بالقوه - در بزرگترین و افکار خود سرمایه است. بوسیله بانکداری، توزیع سرمایه از دست سرمایه داران خصوصی، و ربا خوران، بعنوان یک تجارت مخصوص بعنوان عملکرد ایشان خارج میگردد. بدین ترتیب بانک و اعتبار مرفهین خال به صورت بر نیروی همین عاملان میگردد. که تولید سرمایه‌داری را بر فراز محدودیت شخصی خویش میزاند، و یکی از مینو مسائل نظریه پستراتو و فریگاری میگردد.

علاوه بر آن نظام بانکی با اجتناب از کردن اشکال مختلف اعتبار گردش بجای آوردن نشان میدهد که پول در عمل چیزی نیست جز یک بیان ویژه حرکت اجتماعی کار و فرایندهای آن و که اساس بعنوان متضاد با بنیاد تولید خصوصی، در آخرین مرحله همواره بعنوان یک شیوه اعتبار یک کالای جزا در کنار کالاهای دیگر، خود را باید نشان دهد.

عاقبتا هیچ تردیدی نیست، که نظام اعتبارات به مثابه یک انحراف نیروی کار از سر تولید سرمایه داری، به شیوه تولیدی کار مجتمع، - ولی تنها بعنوان یک عنصر از ارتباط بسا سایر عوامل بزرگ ارتقاء به خود، شیوه تولیدی - عمل میکند. در مقابل تمام نظریاتی همانند نظری قدرت متمرکز آسای، نظام اعتبارات و بانک، به معنای سوسیالیستی، از عدم شناخت جزی از شیوه

تولیدی سرمایه داری و نظام اعتبارات، به مثابه یکی از اشکال آن، سر چشمه میگردد. محدودیتها ابزار تولید دیگر به سرمایه تبدیل نگرددند، که در آن لغو سرمایه خصوصی مستتر است) و نظام اعتبارات باقی‌مانده بجهت خود را از افسوس می‌دهند، مطلق که حتی سن سیمونتت شاهد بدان معتقدند.

از سوی دیگر تا زمانی که شیوه تولیدی سرمایه داری باقی است، سرمایه بهره‌یاب بعنوان یکی از اشکال آن با بر جای مانده و در عمل اساس نظام اعتبارات آنرا تشکیل می‌دهند. تنها همان نویسنده جنرال طلب می‌بودن (۱۹۱) که مایل به حفظ تولید کالای ربا خانی بود، می‌توانست همولای یک "کردیت گزافی" (۱۹۰) را در جواب ببیند، این تحقیق تا موفق احوال پارسا پانه نقطه نظر های خود بر روی:

در نوشته "مذهب سن سیمون ... " ص ۱۳۳ - ۱۳۴ گفته میشود *

* هدف اعتبار در یک جامعه که عدای ابزار کار صنعت را در تنگ دارند، بدون آنکه قادر و با مایل به استعمال آن باشند، در جایگاهی که افراد در گهر با صنعت صاحب هیچگونه ابزار کار نیستند و اینست که این ابزار را به آسان ترین وجه از دست اول ها - صاحبان آن - به

* رجوع شود به کارل مارکس، "فقر فلسفه، جامعه آثار بزبان آلمانی - جلد ۱، ص ۱۸۲-۱۸۳ و همچنین، -، در ابتکار بر اقتصاد سیاسی"، همانجا، جلد ۱، ص ۱۶۱-۱۶۲ - ۱۶۳
* "Religion Saint-Simonienne, Econ. et Pol."



میکرد. در سرمایه تجاری یک عمل ارتباط دهنده انجام میگیرد، حال خواهد این عمل بعنوان تلفیه کار و یا هر چیز دیگری تفسیر شود، در مقابل در شرایط بهره پایا محضت خود تولید کنندگی سرمایه، ارزش ارزش افزوده تولید ایجاد ارزش، بعنوان کیفیت سری نمودار میگردد. از اینروست که حتی یک بخش از عملی اقتصاد - سیاسی در کشورهای که سرمایه منتهی هنوز کاملا اشکاف نیافته است، مثلا در فرانسه به آن بعنوان شکل اصلی سرمایه نگریسته و خلا بهره مالکانه را تنها به حساب شکل دیگر از آن تلقی میکنند، به این دلیل که در اینجا هم شکل قرض دادن منسلط است. بدین وسیله نظم دینی شیوه تولیدی سرمایه داری کاملا نشان داده و توسعه نمیشود، که زمین نظیر سرمایه تنها به سرمایه داران قرض داده میشود. طبیعتا بعضی پول بعنوان ابزار تولیدی را به صورت جنسی، مثلا ماشین آلات، ساختمان و غیره استقراض نمود. اما در این صورت آنها مظهر یک مقدار معین پول هستند، و علاوه بر روح، یک بخش، برای استهلاک پرداخته میگردد که از ارزش حقیقی و از شکل جنسی ویژه این عناصر سرمایه ای سرچشمه میگیرد. در اینجا هم تعیین کننده اینست که آیا آنها به تولید کنندگان بلاواسطه به قرض داده میشوند، که در این صورت هرچیز به عدم وجود شیوه تولیدی سرمایه داری است. حداقل در حوزه ای که این استقراض انجام میگردد، با اینکه آنها به سرمایه داران صنعتی به قرض داده میشوند، که درست پیش شرط ((استقراض)) بر اساس شیوه تولید سرمایه داری است، بی معنی تر و بی بهره تر، وارد کردن استقراضی خانه ها و شهره برای مصرف شخصی، در این رابطه است، این که طبقه کارگر در این شکل هم فریب میخورد و آنچه به صورت نشان آور، واژه ای آشکار است. اما این فریبکاری از طرف خرده فروش مواد غذایی همانجام میگردد. این یک انتشار ثانوی است که در جنب انتشار ابتدایی ای حرکت میکند، گسسه منتظما در خود ریزند تولید انجام میگیرد. در اینجا تفاوت میان فروختن و قرض دادن کاملا صوری و علی السویه است، تفاوتی که همانطور که نشان داده شد، تنها با عدم شناخت کامل از رابطه واقعی، بعنوان مهم جلوه میکند.

اینکه تکن پویی، بعنوان یک تکنیک مخصوص تکامل می یابد، در ارتباط با سرمایه ربانی به این ترتیب است که سرمایه ربانی تمام خواسته هایش بشکل خواسته های پولی است، سرمایه ربانی در کشورهای تکامل بیشتری دارد، که حجم تولید وسیع تر به بازده های جنسی و فیزی و بعضی وسیع تر به ارزش حقیقی منحصر باشد.

سرمایه ربانی تا آنجا که به صورت دیگانه بشر است، همین بر قدرت در ایجاد بیش ضرورت های سرمایه منتهی است؛ از یکسر اصولا با ایجاد یک تکنیک مالی مستقل، علاوه بر بازگانه بازگازان، از سوی دیگر با تعلق دادن شرایط کار به خویش یعنی تلاشی شترومن شرایط کار ادیبی.

بهره داری در سرمایه داری

در قرن وسطی مردم عربا کشاورز بودند در آنجا، مشابه با حکومت فئودالی و روابط مترواوند فئودال، و در نتیجه سود هم کم باشد. از اینرو فزاین ((ضعیف)) و باخواری هم بودند. علاوه برسر آن در یک کشور کشاورزی به قدرت کمی در موقعیتی قرار میگرفتند، که پول قرض کند و مگر آنکه سه نفر و ناداری سقوط کرده باشد. ... هاینریش هشتم ((۱۲۱۲)) روح را محدود به ده درصد، واکوب اول ((۱۲۱۳)) به ۸ درصد، کارل دوم ((۱۲۱۴)) به ۶ درصد، آلفا ((۱۲۱۵)) به ۵ درصد کرده بود. ... در آن اعمار قرض دهندگان پول اگر چه نه از نظر حقوقی، اما از نظر واقعی انحصارگر بود و از اینرو لازم بود، که آنان را نظیر سایر انحصارگران تحت محدودیت قرار داد. ... در زبان ما نرخ سود تنظیم کننده نرخ بهره میباشد، در آن دوران نرخ بهره تنظیم کننده نرخ سود بود. هرگاه مایش تاجر را مجبور به پرداخت یک نرخ بهره زیاد میشود، تاجر میبایست نرخ سود بیشتری بر کالاهاش بکشد، در نتیجه بهار معنایایی پول از کسبه خریدار برداشته میشود، تا به جیب فروخته سازید کرد. *

برای من نقل شده است، که اکنون در هر بازار لایونیک ۱۰ گولدن، یعنی ۴۰ به صد گرفته میشود ((۱۶۱))، خیلی ها به آن بازار نینبورگ ((۱۶۷)) را افزودند، بطوریکه ۴۰ درصد میگردد؛ اینکه آیا این واقفیت دارد، من مطلع نیستم، تفو بر تو و لمنتت بر شیطان، این به کیا میبواهند بیایجاد ؟ ... هرگاه اکنون در لایونیک صاحب ۱۰۰ فلورین است، ۴۰ درصد سالانه طلب میکند، یعنی اینکه یک دهقان با یک شهبوند را در عرض یکسال میلعد، اگر کسی ۱۰۰۰ فلورین قرض بدهد، سالانه ۴۰۰ فلورین دریافت میکند؛ یعنی در عرض یکسال یک سوارکار اشرافی، یا یک فرد ممتاز و توانگر را میلعد، اگر کسی ۱۰۰۰ هزار فلورین قرض دهد، ۴۰۰ فلورین در سال طلب میکند؛ یعنی یک گراف منجول یکساله بلعمد نمیشود. اگر کسی ۱۰۰۰۰ فلورین داشته باشد، یعنی آنطور که وضع یک تاجر بزرگ باید باشد - ... ۴۰ طلب میکند؛ یعنی یک

* رجوع نمود به کتابت، ص ۱۶۵ - ۱۶۶

Gilbart, " History and Princ. of Banking "

ریا خواری نظیر تجارت انتشارگر یک شیوه تولیدی موجود بوده، آنرا نمی آفریند و نسبت به آن رفتاری بیگانه دارد. ریا خواری کیشش در حفظ آن دارد و برای آنکه بتواند آنرا همواره انتشار کند، محافظه کار است، شیوه تولیدی را تنها مانند تر میکند. هرچه کشر عناصر تولید بعنوان کالا در روند تولید دخول نموده و بعنوان کالا از آن خارج گردند، ایجاد آنها از پول، بیش از پیش بعنوان یک عمل جداگانه ظاهر مینماید. هر اندازه نقش گردن در تجدید تولید اجتماعی می آفریند، ریا خواری شکوفایی بیشتری دارد.

ی برن :

" پولهای مباحی موجود در میان مردم ما حتی تا یک شتر هم به کسبه و تاجار برای جاری کردن مباحلانستان داده نمیشود! بخش فظلم این پولها برای کلاهای لوکی و برای مخارج افرادی که با وجود ملاک بزرگ بودن پول را سریع تر از تأییدیشان از اخلاق خرج میکنند ، به قرض داده میشود ، و از آنجا که آنها از غریب انده خویش خوف دارند ، ولقبتر آنرا به رهن بگذارند."*

در قرن ۱۸ در لهستان :

" در روش پول معامله بزرگ بروانی انجام گرفت ، که اما عددا مینوی و مصروف به ربا خواری بانکدارانش بود ، برای فراهم آوردن پولی ، که میتوانست به کلان صرف به در صد یا بیشتر به قرض داده شود ، بانکداران در خارج از کشور به جستجوی یک اعتبار سخفای سفید پرداخته و آنرا یافته ، یعنی سفید ایکه اصولا مینوی بر تجارت کالا عبورده اما پذیرنده برات در خارج آنرا تا زمانیکه باز پرداخت های مشتق از گلاهدراری یا برات های بی پشتوانه ارائه می یافتند ، آنرا نقل میکرد . در هوش آنها یا بریتکستی غریب بنام تریز (۵۱) و عدد دیگری از بانکداران بزرگ و محترم روشو تاوان برداشتند."**

فوائد منح ربا بسرا ی کلهسا

" نزول خواری را کلهسا منحوم کرده بود ، اما نه غریب مایملک را برای خلاصی از تنگی ، و نه حتی واگذاری آن به داشتن پول برای عدت محبین و تا زمان تادیب ، برای اینکه اینها تضمین برای داشتن بوده و در حین حال برای لذت بردن در این از استعمال جاگزیین پول قرض داده شده در حین زمان صرف ... کلهسا بالشفصه و با جنابت های پارسا و صومعه های متعلق به آن ، بخصوص در زمان جنگهای صلیبی از آن استفاده وسیعی کردند . این سبب انتقال بخش عظیمی از ثروت های ملن بدست باصطلاح " دست بزرده " شدند ، بخصوص از این نظر که یهودی ها از این راه مجاز به ربا خواری میبودند ، زیرا تصاحب گروگانی به چنین مستحکی نمیتوانست انکار شود ... بدون منع روح هیچگان کلهساها و صومعه ها نمیتوانستند این چنین تریزند شوند."***

- * رجوع شود به " نورت " ص ۷۶ ، North, Sir Duely , "Discourses upon Trade", London , 1881
- ** رجوع شود به ی.گ. بوش، ص ۲۳۳ - ۲۳۴
- *** J.v. Büsch, "Theoretisch-praktische Darstellung der Handlung", Hamburg, 1808, II

ساله یک شاهزاده بزرگ و شریفند وامیبلند . اگر کسی ... داشته باشد ... طلب میکند ؛ یعنی کلهسایه یک پادشاه بزرگ را میبلند . در ایتراد برای او هیچ مخاطراتی نه برای جانش و نه برای هستی اش وجود ندارد ، کار که هیچ دم نترسند و سبب سرخ میکند ؛ خلاصه طایف است بل مرتزعه دلی چنین درخشان بنشیند و تمام دنیا را در ده سال ببلند ."*

" من یائزده سال پیش در باره نظام ربا خواری نوشتم ، زیرا که چنان رواج یافته بود ، که من هیچ گونه امیدی به بهبودی نداشتیم . در نتیجه ، پس از آنزمان ، بانک بلند کرده ، که دیگر عامل نیست سبب گناه یا تنگد باشد بلکه خود را بعنوان عفت نامورانه و سر بلند قابل تمجید میداند ، انگار که برای مردم یک محبت بزرگ و خدمت سنجانه مینماید . حال چه بندی میتواند در آنجا که تنگ و افتخار و عیب و عفت شده است ، پاری نماید ."**

" بهبودی با بسیاری ها (۱۸۸۰) ، رباخواران و سخن گفتگان اولین بانکداران ما بودند ، شمساران بانکدار اولیه ، خلعت آنان را باید تقریبا ردیف نامید . به آنان سپس زرگران لندنی ((هم)) گوییدند . در کل ، ... بانکداران اولیه ما ، جمعیتی بسیار خبیثه ، ربا خواری طماع و خونخواری سنگدل بودند ."***

" مثال "تغیر" (بنیان گذارویک بانک) " هم به سرعت تغییر شد ؛ تمام شهرهای دریائی و اصولا تمام شهرهایی که به عفت استقلال و تجارتشان معروف شده بودند ، اولین بانکهای خود را تأسیس کردند . رجعت کشی های آنان ، که مصولا عدت زیادی طول میکشید ، الزاما به عادت دریات اختیار انجامید ، که تا کشف آمریکا و تجارت با آنجا تقویت گردید ." (این در مورد مطلب اصلی) " بار کسی با کشی اجبارا نقل پیماندهست های وسیعی را بدنیال داشت ، موردی که قبلا در عهد باستانی در آتن و یونان هم پیش آمد . در سال ۱۳۰۸ شهر هیزا بزرگه (۲۹) دارای یک اطای بیست و بود ."****

تا چه حد قرض دادن به ملاکین و همراه با آن اصولا به ثروت منلذد ، در شت سوم قرن ۱۷ قبل از تکامل نظام اعتباری بدون حتی در انگلستان مسلط بود ، میتوان با مشاهده سر دادلی نورت ، نه تنها یکی از عمده ترین تاجران انگلیس بلکه یکی از نامدار ترین ثروتمین های اقتصاد عصر خویش

- * رجوع شود به کوئر از نامه " به کلهستان جماعت برای محیطه طلبه رباخواری " ، از سال ۱۵۸۰ ، Lutherus Werke , Wittenberg 1589
- ** همانجا
- *** رجوع شود به هارد کستل ، ص ۲۰ - ۱۹ ، D. Hardcastle, " Banks and Bankers ", London 1843
- **** رجوع شود به م. اویچه ، همانجا ص ۲۰۳ - ۲۰۲



ملاحظات

بر تمام مطالب ذکر شده که در دو پراکنش قرار دارند و یا اشارات و ملحقات در ملاحظاتی از مترجم یا ناشر میباشند. پارویی های آورده شده در متن از مارکس و یا انگلس (با نام علامت گذاری شده) میباشند.

۱ - از بخش دوم «باب پنجم» «کاپیتال» جلد سوم «چاپ آلمانی» ۱۹۶۹ - چاپخانه مترجم برلین - آلمان دیوکتراپیک - مطابق با اولین چاپ مستتره از طرف فدریشن انگلسی در هامبورگ در سال ۱۸۴۴

۲ - سرمایه دیوکتراپی با تماری به دو بخش تجزیه میگردد : الف - سرمایه تجارت کالایی و ب - سرمایه تجارت بولی

الف - «سرمایه تجارت کالایی چیزی نیست جز شکل تضمین یافته یک بخش از سرمایه گردش مدام موجود در بازار» موجود در روند دکترینی «و درانجا در حوزه گردش حسی گذشته» (کاپیتال، جلد سوم، صفحه ۲۶۹) «سرمایه تجارت کالایی در واقع چیزی نیست جز سرمایه تولید کنندگان که پیوسته استعمال خود به پول و عملکرد خود بعنوان سرمایه کالایی در بازار را، باید انجام دهد. تنها این عملکرد بعنوان یک عمل فیزی تولید کننده در اینجا به صورت عمل اصلی یک گروه از سرمایه داران، تاچرین کالا ظاهر نموده و بعنوان یک نوع موهبت برای سرمایه گذاری بخصوص منتقل میگردد.

(همانجا، ص ۲۸۱)

ب - «یک بخش از سرمایه صنعتی و همچنین سرمایه تجارت کالایی، درانجا تنها بشکل بولی بعنوان سرمایه بولی موجود نیورده، بلکه بعنوان سرمایه بولی ای است که با افعال فنی مشخص میباشند. ... پرداخت و دریافت پول، حسابداری، محاسبه ترانزاکشن و همچنین این الزام که سرمایه دار همیشه بخشی از سرمایه اش را باید به صورت سرمایه بولی بالقوه، ذخیره ایثار خرید، ذخیره وسائل پرداخت، سرمایه غیر منتقل نمود در شکل بولی به صورت اندوخته موجود داشته باشد» افعال فنی او هستند که جدا از عملکرد سرمایه، کار و هزینه مخصوص - هزینه گردش - پیوسته می آید. تقسیم کار انجام این افعال فنی را بر همیده یک بخش از افعال و یا سرمایه داران میگذارد، تا آنجا که ممکن است آنها برای تمام طبقه سرمایه دار انجام دهند و این افعال در دست این افعال متمرکز میگردد. انجام افعال فنی، جدا از روندی که موجب الزام چنین افعالی میگردد، سرمایه بیش پرداخته برای این افعال را تبدیل به «سرمایه تجارت بولی» میکند. (همانجا، ص ۳۱۱ - ۳۲۷)

۴ - P.W. Rowman، (۱۸۹۷ - ۱۹۶۸) «زمان شناس و روزنامه نگار انگلسی، بورژوا رادیکال و یولیف طلایی در باره مذهب، اقتصاد و سیاست

۵ - Patrizier، اشراف، خواص - اعیان تیره های با نفوذ و ثروتمند روم باستانی

۶ - Plebejer، مردمی حامی تولید کنندگان، عوام الناس - اعیان تیره های پایین روم باستان

۷ - H. Ch. Carey، (۱۸۲۹ - ۱۹۰۲) «اقتصاد دان مبتدل آمریکایی طرفدار هارمون طیفانی در جامعه سرمایه داری

۸ - کارل کپیر (۸۱۴ - ۷۹۴ م) «پادشاه سزیمین فرانکها - منتطای در دست علمای و وسطی روم باستان، و جایگاه یکی از قبائل ژرمنی غربی - از ۸۰۰ - ۷۶۸ م. و قصه روم از ۸۱۴ - ۸۰۰ م.

۹ - لیندر ام بودنس لندر Linder am Bodensee، شهری در جنوب آلمان فدرال امروزی - فدریشن روم (۱۲۵۰ - ۱۱۹۴ م) قصه ظهور روم، پس از استیلای ژرمن ها بر آنجا از ۱۲۴۰ تا ۱۲۵۰ م.

۱۰ - خدایان ایتر: بر طبق نظر اسپیکر Epikur (۲۴۰ - ۳۱۱ ق م) فیلسوف مادی گرا و شهید یونان باستان، خدایان در اینتر موندین Intermundien در فضای بین دنیا ها زندگی کرده و هیچگونه تاثیری چه بر تکامل عالم، چه بر زندگی انسان ها ندارند.

۱۱ - التزام به معنای اجاره داریمالیات است. مجموع شوب از آنجمله به ا.ک. لانتون، «مالک و زارع در ایران» ترجمه امیری

۱۲ - Luther, Martin، مارتن لوتر، (۱۵۳۱ - ۱۵۴۶ م) «بنیانگذار حرکت اصلاح طلبانه پروتستان گنسیا، پروتستانیزم در آلمان بود. آثار ادبی او بخصوص ترجماتی از انجیل و تورات دارای اثر مهم در ایجاد یک زبان نوشتنی واحد در آلمان بود. در جنگهای دهقانی

۱۳ - ۱۵۴۶ لوتر به مخالفت با افعال انجیلی دهقانان برخاسته و به اردوی اشراف، شاهزادگان و بورژوازی پیوست. بعنوان «قدسی نوین عالم اقتصاد آلمانی» (مارکس) لوتر مدافع اقتصاد ضعیفی و تولید ساده کالایی بوده و با سرمایه تماری و رایج مبارزه میکرد. نظریات مترقی او در باره کار و حرفه پیش شرط های ایدئولوژیک مهمی برای ایجاد «شری ارزش کار» کلاسیک بورژوازی بودند.

۱۴ - Stand، «پایگاه، صنف، طبقه و طبقات در جوامع پیش از سرمایه داری اروپا، به خصوص در دوران قرونالیم به اشتناک مبسوم بودند. وجه عمده تمایز ایشانند با طبقه معنای مدرن،

۱۵ - Industrieller Produzent، Industrieller



در پاریس ایجاد نمود، که در آخر سال ۱۷۱۸ به بانک دولتی تبدیل شد. بانک لائو به انتشار سکه و ارز انگلیس و در همین حال جمع آوری پول لائو پرداخت. این سبب توسعه سفته بازی و کلاهبرداری وسیع و بورس بازی به صورت نا بهمال این سفته‌های گردید، تا آنکه عاقبتاً در سال ۱۷۵۰ بانک دولتی و در نتیجه "نظام" لائو کاملاً ورشکسته شدند و لائو به خارج منتقلی شد.

۲۱ - National Bank of Credit " در متن اصلی به زبان انگلیسی

۲۷ - Devonshire House

۲۸ - Bishopsgate Street

۲۹ - Sait-Simon, Claude-Henri de Rouvroy-Comte de " در متن اصلی

۳۰ - Cultivateur " موسسه‌ایست تخیل‌گرای فرانسوی، کشت کار، بهره‌بردار

۳۱ - Travaillleur, کارگر

۳۲ - در متن اصلی به زبان فرانسه

۳۳ - "Nouveau Christianisme, Dialogue entre un Genevois et un Neuchâtois" متن معین

۳۴ - Robert, Owen (۱۸۰۸ - ۱۷۷۶ م) - موسسه‌ایست تخیل‌گرای انگلیسی

۳۵ - Fourier, Francois-Marie-Charles (۱۸۲۷ - ۱۷۷۲ م) - مخرب‌ترین موسسه‌ایست تخیل‌گرای فرانسوی بعد از سن-سیمون

۳۶ - Travaillleur par excellence در متن اصلی بزبان فرانسه

۳۷ - Crédit mobilier (Société générale de Crédit mobilier) بانک بانک سهامی فرانسوی که براساس پایه تاسیس، مطابق فرمان ۱۸ نوامبر ۱۸۰۲ تأسیس شد و رسماً شناخته شد. هدف اصلی گردیت موبیلیه واسطه‌گویی برای دادن اعتبار، و تاسیس بنگاه‌های صنعتی و غیره بود. این بانک به صورت رسمی با حکومت ناپلئون سوم اشتراک یافته و از حمایت آن برخوردار بود. در سال ۱۸۶۸ بانک ورشکست و در سال ۱۸۷۱ بر چیده شد. این بانک به صورت رسمی در ساختمان راه آهن دو کشورهای مختلف اروپایی شرکت داشت، ولی عددترین منبع در آمد آن بورس بازی با اوراق بهادار، شرکت‌های سهامی ای بود که بواسطه خود بانک تاسیس شده بودند. مارکس در یک سلسله از مقالات که در "نویسندگان دولتی تریبون" منتشر شدند.

جرح دولتی و حقوق معنوی و جیره اشتاندها و اضافه آن وجود تحرک کم در بین اشتاندها مختلف و حدود کم و بیش شمعبر و تعیین شده اشتاندها بودند. سه اشتاندهم جامعه نبود البمش متاخر پایگاه اول یا اشتراک زبیدار، پایگاه دوم یا روحانیون درجه اول کلیسا و پایگاه سوم یا بورژوازی بودند.

۱۵ - Monte de Piets بانک های کارگشایی، گریگانخانه‌ها، در تیرن ۱۴ و ۱۵ م. در ایتالیا و فرانسه بر طبقه ربا خواری ایجاد شدند. موسسین آن قصد تبدیل آنها را به انگلیسی یا مذهب خیر خواهانه برای دادن اشتباه‌های محدود به افراد کم وسعت در مقابل گریگان و حفاظت آنان در مقابل ربا خواری داشتند. اما در این قصد ناموفق مانده و هدف آنان به مقدار خوبی بدل شد و موثرتس دو بهمتا‌ها خود دست به ربا خواری زدند.

۱۶ - Hugh Chamberlyne (۱۷۲۰ - ۱۶۳۰ م) اقتصاد دان و پزشک انگلیسی که در اواخر قرن ۱۷ پیوسته ایجاد یک بانک روستایی را، که به نظر او یک وسیله برای رفاهتی از دست ربا خواری بود، پیشنهاد کرد.

John Briscoe، کارگر غربی انگلیسی و عضو پارلمان از پیوسته بانک روستایی چمبرلین حمایت میکرد.

۱۷ - Leomanry بورس دی، خرید و مالکین - رپوچ شود به ترجمه - مالکیت جمعی " از کاپیتان " - جلد اول، در همین شماره

۱۸ - شارل دوم (۱۶۸۵ - ۱۶۳۰ م) پادشاه انگلستان از ۱۶۶۰ تا ۱۶۸۵ م.

۱۹ - "Kerbstu" و "Tally" جیب خط پدهکاری، عبارت بود از یک جیب مخصوص که بستارگر مقدار قرض پدهکار را بر آن به صورت خطوط، هر خط در ازای یک شلینگ معین حک می نمود.

۲۰ - Sir Josiah Child

۲۱ - Massenkonfektion بزین و دوت و دوز آموه وار لباس در اندازه‌های معین برای بازار، بر خلاف خیاطی خصوصی که دوز

۲۲ - Thomas Manley

۲۳ - Intest of Money Mistaken* امکان اثبات اینکه نهاس مطلق مطلق

که در سال ۱۶۶۸ در لندن به صورت گشام چاپ شد، نیشده.

۲۴ - William Paterson، وکلای پاترسن ۱۷۱۶ - ۱۶۵۸ م.

۲۵ - John و Lew جان لائو، در اینجا اشاره به اقتصاددان و بانکدار انگلیسی، جان لائو می‌شود، که کوشش در تحقیق نظریه ای کاملاً بیچ داشت، به این ترتیب که دولت می‌تواند با انتشار اسکناس بدون پشتوانه شوت کشور را از پادبختی نجات دهد. او در سال ۱۷۱۶ یک بانک عمومی



ماهیت اصلی کدیت موبیله را نشان دارد. رصیع شود به کلمات آثار و جلد ۱۶

۲۸ - Jacob-Emil. Péroire (۱۸۷۶ - ۱۸۸۰) و برادرش Essac. Péroire "بنیانگذاران کدیت موبیله بودند"

۳۱ - Proudhon, Pierre-Joseph (۱۸۰۹ - ۱۸۴۹) روزنامه نگار ، جامعه شناس و اقتصاد دان فرانسوی. بنیانده نظری مباح خردم بورژوازی و یکی از بنیانگذاران تئوریک آنارشیزم

۴۰ - Céditgratuit ، اختیار نیجای ، فزده حسنه ، در اینجا اشاره به نظریه "کدیت کرای" است که بوسیله پرودون در کتابش موضح به

"Gratuité du Cédit. Discussion entre M.Fr.Bastiat et M.Proudhon"

پرونده شده بود

۴۱ - Péguy Constantin اقتصاد دان و سوسیالیست نمیل گرا

۴۲ - Heinaric VIII (۱۵۹۷ - ۱۶۹۹ م) ، پادشاه انگلستان از ۱۵۰۹ تا ۱۵۴۲

۴۳ - Jacob I (۱۶۶۵ - ۱۵۶۶ م) پادشاه انگلستان و ایرلند از ۱۶۰۲ تا ۱۶۲۵ ، پسران لاکوب چهارم پادشاه اسکاتلند از ۱۵۶۷ تا ۱۶۲۵

۴۴ - Karl II

۴۵ - Arna (Staurt) ملکه انگلستان (۱۷۱۱ - ۱۶۶۵ م)

۴۶ - در اینجا اشاره به امین طلب میگرد ، که قرض دادن ۱۰۰ گولدن مشروط به پرداخت ربح در سه قسط در بازار مکاره لایپزیک بود ، که در سال در سه نوبت در ابتدای سال نو مسیحی ، در همه فصل و در جنبشهایی تشکیل میگردد .

۴۷ - Neuenburg ، منظور قسط چهارم ربح است که علاوه بر سه قسط نکرنده در شماره (۴۶) میباشی در زمان تشکیل بازار مکاره نوین بزرگ پرداخت کرد .

۴۸ - Lombarthen ، ماحول از تجار منطقه لمباردی در شمال ایتالیا ، که به ارتبان و گروگیی اشتهار داشتند ، در اقتصاد مدرن معیار کردن به معنای گرفتن اعتبار در ملایل به رهن گذاردن اوراق بهای دار است .

۴۹ - Hansestadt Brugge اقتصاد دان انگلیسی و از اولین بنیانگران اصول

۵۰ - Dudley North اقتصاد سیاسی کلاسیک بورژوازی

۵۱ - Tropper